

دکتر رقیه بهزادی در گفت و گوی اختصاصی با «مفاخر ماندگار»:

## هرجا سخن از فرهنگ است باورهای آیینی هم مورد توجه اند





دکتر رقیه بهزادی (متولد ۱۳۱۱ ش) استاد بازنشسته دانشگاه تهران است. او مدرک دکتری خود را در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۵ ش اخذ کرد و در حوزه زبان‌های باستان ایرانی، قوم‌شناسی، نمادشناسی و فرهنگ و دانشنامه تحقیق و پژوهش‌های فراوانی انجام داده‌است که شمار آنها به بیش از سی کتاب و صدها مقاله می‌رسد.

این استاد و پژوهشگر فرهنگ و زبان‌های باستانی مدتی در سال ۱۳۵۴ ش به عضویت فرهنگستان زبان در آمد و پس از پیروزی انقلاب که تمام مؤسسات فرهنگی و علمی کشور مثل فرهنگستان زبان، فرهنگستان ادب و هنر در هم ادغام شد و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی به وجود آمد، به عنوان پژوهشگر در آن مؤسسه به فعالیت پرداخت. او همچنین عضو شورای عالی مطالعات هنر در دانشکده هنرهای زیبا است.

فهرست بلندی از تألیفات، ترجمه‌ها و مقالات علمی پژوهشی این استاد برجسته دانشگاه تهران در سوابق علمی او رخ می‌نماید که برخی از آن‌ها عبارتند از: «آریاها و ناآریاها در چشم انداز کهن تاریخ ایران»، کتابخانه طهوری، تجدید چاپ در سال ۱۳۸۳. «تقویم قوم‌های کهن»، نشر مهاجر. «سال‌ها باید که تا ... جشن نامه استاد پرویز شهبازی»، فردوس، ۱۳۸۲. «قوم‌های کهن در آسیای مرکزی و فلات ایران»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۷۳ تجدید چاپ. کتابخانه طهوری - ۰۸ اسفند، ۱۳۸۶. «قوم‌های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز،

بین‌النهرین و هلال حاصلخیز»، نشر طهوری شه‌ریور، ۱۳۸۴. این کتاب برگزیده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. «مفاخر آیین زرتشت»، هرمس. «پارت‌ها»، فیلیپ لوزینسکی، نشر پژوهنده، ۱۳۸۰. «پچنگ‌ها، یاس‌ها و کومان‌ها»، نوشته آندره اس پالوتسی هورات، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۷۵. «تاریخ بابل از تأسیس سلطنت تا غلبه ایرانیان»، لئونارد ویلیام کینگ، (ویراستار: متوچهر امیری) علمی و فرهنگی، ۵ شهریور، ۱۳۸۶. «جاده ابریشم»، ادوارد شواردناده، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱. «دانشنامه اساطیر یونان و روم»، مایک دیکسون - کندی، کتابخانه طهوری، ۱۸ اردیبهشت، ۱۳۸۵. «دنیای خیالی بارانکین»، مدودوف، نشر نی، ۱۳۷۷. «زن در شرق باستان»، ایلسه سبیرت، نشر پژوهنده، ۱۳۷۹. «سارمات‌ها»، تاگودتوس سولیمیرسکی، نشر میترا، ۱۳۷۴. «سکاها»، تامارا تالوبت رایس، انتشارات یزدان، ۱۳۷۰. «سلجوقیان آسیای صغیر»، تامارا تالوبت رایس. «فرهنگ اساطیر شرق باستان»، گوندولین لیک، کتابخانه طهوری، ۱۶ خرداد، ۱۳۸۵. «فرهنگ مصور نمادهای کهن»، جی سی کوپر، نشر فردوس. «فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب»، جیمز هال، فرهنگ معاصر، ۷ خرداد، ۱۳۸۴. «فنیقی‌ها، ساباتینوموسکاتیف، نشر پژوهنده، ۱۳۷۹. «گرچی‌ها»، دیوید مارشال لانگ، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه ۱۳۷۳. «میترا یا مهر نزد مغان هندویی شده»، هلموت هومباخ، نشر پژوهنده، ۱۳۷۹. «نام‌های جغرافیایی و ریشه‌های تاریخی

آن در ماد (آتروپاتن)»، مینورسکی، نشر پژوهنده ۱۳۷۹. «هنر بی‌زانس»، دیوید تالوبت رایس، نشره قطره ۱۳۸۴. در گفت و گو با این استاد و پژوهشگر برجسته کشور در حوزه فرهنگ و زبان‌های باستانی، نوروز و آیین‌های ایرانیان در سال‌نورامورد بررسی قرار داده این که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید.



**در گفت و گویی بیان کرده‌اید که ایرانیان به واسطه اهمیتی که به شادی می‌دادند در طول سال به مناسبت‌های مختلف جشن‌های گوناگونی را بر پا می‌داشتند و مراسم و دعاخوانی آنها را «جشن خوانی» می‌نامیدند. کیفیت این جشن خوانی‌ها چگونه بوده و آیا این آیین در ایام نوروز و شروع فصل بهار نیز برگزار می‌شده است؟**

کلمه «جشن» از واژه اوستایی «یز yaz» و سنسکریت «یج yaj» است که به معنای ستایش کردن آمده است. جشن روز بزرگترین جشن ایرانیان و از نمایان‌ترین جشن‌های بهاری جهان به شمار می‌رود. برای پیدایی و توجیه جشن‌ها غالباً انگیزه‌های همچون حوادث تاریخی، ملی، داستانی یا دینی دخیل است. تقدس جشن نوروز بیش از سایر جشن‌هاست، زیرا با نام «فروردین» که ویژه فره‌وشی‌هاست آغاز می‌شود و از اول بهار و اعتدال ربیعی و رستاخیز طبیعت و زندگی مجدد است. در آیین زرتشت خوشی دنیوی نقیض سعادت اخروی نبوده است. در سراسر کتاب «یشت‌ها» از پهلوانی، مردانگی، عدل و انصاف بذل و بخشش علم و معرفت سخن رفته است. غایت آمال و آرزوها و نهایت مقصود در پرهیزگاری،

راستی و درستی، رادمدی و عدالت است. «هرودوت» در تاریخ خود در جایی که از شیوه ستایش ایرانیان کهن سخن می‌گوید نوشته است که «مغان» به هنگام ستایش آواز می‌خواندند و «تغنی» می‌کنند و «تغنی» در نظم بود و نه در نثر.

### علت این که ایرانیان سفره هفت سین پهن می‌کرده اند چه بوده است؟

در روزگار ساسانان قاب‌های زیبای منقوش از چین به ایران آورده می‌شد و این ظرف‌ها به نام کشوری که از آنجا به ایران آمده بود «چینی» نامیده می‌شد که به گویش دیگر در ایران به صورت «سینی» رواج یافت.

که در «سینی‌ها» بی‌به همین نام برای آدونیس Adonis کاهومی کاشتند. درون سینی‌های ایران، هفت نوع از گونه‌های شیرینی به نام هفت امشاسپند (مقدسان) همچون اردیبهشت، خرداد، امرداد، شهریور، بهمن و اسفندارمذ و خود اهورامزدا گذاشته می‌شد.

سبزه‌ها را گاه به شمار هفت، پیش از نوروز سبز می‌کردند. در کاخ شاهان دوازده ستون از خشت خام بر می‌آوردند و بر هر یک یکی از غلات را می‌کاشتند بر اساس این باور که سالی پربرکت پیش رو باشد. بر سر خوان نوروزی، «نان»

نمادی از برکت بود و در عمر ساسانان، نان‌های کوچک به نام «درون» می‌پختند و بر سر سفره می‌گذاشتند. «شمع» نمادی از جهان فروغ و بی‌کرانه اهورامزدا و قلمرو وی به شمار می‌رفت. «تخم مرغ» بن‌مایه خوان نوروزی تمثیلی از باروری، زندگی و زایش کیهانی بود زیرا پوست آن نمادی از آسمان و طاق کیهان بود.

«آینه» به مفهوم شکل و دیدار و یکی از نیروهای تشکیل دهنده انسان به شمار بود، یعنی در نخستین روز نوروز که انسان کیهانی با نیروهای دیگر شکل می‌گیرد، می‌بایستی نمادی از آن بر سر سفره نوروز باشد.

حوت (ماهی) به هنگامی که برج حوت به برج حمل تحویل می‌گردد به عنوان نمادی از آخرین ماه سال در خون، در سفره قرار می‌گیرد، را نمادی از آن‌هیوتا سرور آب‌های تازه است که باروری را برعهده دارد و موجب برکت در سال نو می‌شود.

«انار» یکی از مقدس‌ترین میوه‌ها و دانه‌های آن نماد باروری و تکثیر است. «برسم Barsam» که رنگ گل و شکل غنچه آن همانند آتشدان است، در خون نوروزی قرار می‌گیرد.

«سکه» بر خون نوروزی نمادی از شهریور امشاسپند، موکل فلزات است؛ وجودش بر سر سفره موجب برکت

می‌شود. «نارنج» نمادی از گوی زمین در «کیهان» است و گردش آن بر روی آب، نمودار گذر بروج دوازده گانه است، در اساطیر دور، دارنده ارواح خبیثه و در اسطوره‌های کهن سبزی خدایان است.

### در کنار جشن خوانی، در ایران باستان مراسم «کوسه برنشین» نیز اجرا می‌شده است؛ این مراسم به چه صورت بوده است؟

از جمله مراسم نوروزی که در آغاز بهار انجام می‌شد، میرنوروزی یا «کوسه برنشین» بود. این مراسم همانند جشن‌های کارناوالی کنونی تحت عنوان جشن بهار انجام می‌شد. گاه تغییر در کیسه باعث جابجایی این مراسم می‌شد اما بیشتر اول بهار در اعتدال ربیعی انجام می‌گرفت.

در این مراسم مردی کوسه را بر خری می‌نشاندند، در دستی باذن و در دست دیگرش کلاغی بود. پیوسته خود را باد می‌زد و در کوچ بازار می‌گشت و اشعار کنایت آمیز می‌خواند مردم به وی سکه و دینار می‌دادند و این مراسم تا واپسین روز اول بهار صورت می‌گرفت. میرنوروزی نیز به باوری بر می‌گردد که شاه جوانی را برای مدتی کوتاه به فرمانروایی بر می‌داشتند و بعد از مدت زمانی کوتاه وی را برای تداوم عمر فرمانروا، که وجودش موجب باروری می‌شد، می‌کشتند، ولی بعدها هم کوسه و هم میرنوروزی را نمی‌کشتند، و حالتی نمادین داشتند.

### چهارشنبه سوری مربوط به ایران پیش از اسلام است یا پس از اسلام؟ چرا این مراسم برگزار می‌شده است؟

چهارشنبه‌سوری از واژه سور و سُخر SOXR به معنای «سرخ» است. ایرانی‌ها



برافراشتن کاخ‌های عظیم هخامنشان و صورت‌های زیگورات‌های عیلام واجد نقش به سزا بوده است.

آیا مهاجرت قوم کاسی به سوی شمال و گذران آنان از کاشان و کیزوواتنا (قزوین) و رسیدن به کرانه‌های دریای شمال و بخشیدن نام «کاسپین»

قزوین» به دریای مازندران، ما را بر آن می‌دارد که به میزان بضاعت مان درباره آنان پژوهش و جستجو کنیم.

برخی پژوهشگران برآنند که اقوام پیشا- سومری روزگارانی از درون فلات به

بین النهرین کوچیده‌اند و آنان، همچون مصریان، مبدعان خط‌های تصویری در جهان بوده‌اند و قوم دریانورد «فنیقی» اقوام ساکن در هلال حاصلخیز

حاملان خط، حتی تا شمال آفریقا و کارتاژ بوده‌اند و ایده رسان انگیزه ابداع خط، نزد یونانیان شده‌اند.

یکی از تخصص‌های مهم سرکار، فرهنگ و زبان‌های باستانی است؛ ارزیابی شما از آموزش‌های دانشگاهی و پژوهش‌های این عرصه چگونه است؟

بدون تردید تدریس فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، جهت علاقمندان به زبان‌های نیاکانی مان، امری مطلوب است تا بدانیم و بیابیم که ریشه‌های زبان مادری و فارسی نوین و پیشینه دیرینه آن چگونه بوده است.

لحاظ که هر جاسخن از فرهنگ است، شناخت زیرمجموعه‌های فرهنگ همچون زیستگاه، خاستگاه، خط، زبان، هنر، اساطیر، باورهای آیینی و دانش‌ها مطرح است، لذا پرداختن به هر یک از این زیرمجموعه‌ها که خود بخشی از فرهنگ است، مطلب مورد علاقه‌ی من بود.

هنگامی که به گویش و گفتار قومی پرداخته می‌شود آیا می‌توان زیستگاه، خاستگاه، مسیر مهاجرت‌ها، تعاملات فرهنگی، داد و ستدهای تجاری که همه خود می‌توانند در فرهنگ و زبان و پدیده‌های اجتماعی- قومی موثر باشند را نادیده گرفت! چگونه می‌توان مسیر مهاجرت آریایی‌ها در حدود ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد از دشت‌های اوراسیا و سرازیر شدن آنان به دره سند و فلات ایران و مواجهه آنان با باورهای دینی، زبان و خط و معماری و سایر مفاهیم فرهنگی را در نظر گرفت.

روبارویی قوم آریا درون فلات با اقوامی چون گوتی‌ها، لولوها، تیورها، کاسی‌های ساکن در دامنه‌های زاگرس و سپس درانحنای فرات در مواجهه با هنر، معماری، باورهای دینی در شوش و انزان و انشان عیلام صورت پذیرفته و بر این قوم گله دار صاحب اسب و ارابه تأثیری بسزا داشته است؛ بدون تردید در

برای سسی روز ماه نامی داشتند و هر زمان که نام ماه با نام روز تلاقی می‌کرد جشن می‌گرفتند. کلمه «شنبه» متعلق به بین النهرین و سامی‌ها و چهارشنبه ایرانی نیست. ضمناً ایرانی‌ها به نشان احترام به آتش از روی آن نمی‌پرند و اینکه سه دسته هیزم اشاره به سه دسته نماد ایرانی، اندیشه نیک، گفتار نیک و کنش نیک است، ایرانی نیست.

استاد ذبیح بهروز معتقد است که جشن چهارشنبه‌سوری یادگار و بازمانده از گذر سیاوش از آتش است که جهت اثبات بی‌گناهی وی به وسیله و Var یا، ورنگه Varangh انجام یافته است. بنابراین آثار و علائم بازمانده از مورخین تاریخ، مبنای این امر مصادف با روز چهارشنبه به دستور افراسیاب انجام گرفته است. از آنجا که در آیین زرتشت سوگواری در رثای مُردگان جایز نیست، پارسیان زرتشتی در آخرین شب چهارشنبه‌سوری پایان سال از آتش می‌گذشتند تا خاطره سیاوش به منظور دفاع از عفت و پاکدامنی وی را جاودان سازند. در واقع چه فلسفه‌ای از این برتر و انسانی‌تر بر نوروز می‌توان شمرد که آمدن نوروز بهانه ایست جهت پاک کردن، زدودن پلیدی‌ها سلام‌ها، مبارک گفتن‌ها و دیده بوسی‌ها که همه ویژگی‌های عاطفی و والای انسانی را با خود دارد.

اجازه دهید کمی به فعالیت‌های علمی و پژوهشی سرکار بپردازیم؛ به نظر می‌رسد عمده فعالیت‌های علمی و پژوهشی شما متمرکز بر روی بحث «قومیت‌ها» است؛ آیا این امر دلیل خاصی دارد؟

از آنجا که رشته تحصیلی من «فرهنگ و زبان‌های باستانی» بوده است و بدان

